

رویکرد امام خمینی به مؤلفه‌های ایران‌هراسی در مسئلهٔ صدور انقلاب

محمد طهماسبی برنا

دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی؛ پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران
mtahmasebi39924@gmail.com

احسان عسگری

دکترای جامعه‌شناسی سیاسی؛ پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران
askariehsan1372@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر در تلاش است تا با به‌کارگیری الگوی ردیابی فرآیند و با بهره‌گرفتن از ابزار گردآوری اطلاعات به‌صورت اسنادی - کتابخانه‌ای و همچنین تحلیل محتوای آثار امام خمینی، رویکرد ایشان را به مؤلفه‌های ایران‌هراسی در مفهوم صدور انقلاب مورد مذاقه و بحث قرار دهد و پاسخی به این پرسش ارائه نماید که با توجه به تلاش‌های دشمنان انقلاب اسلامی در دورهٔ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای ارائهٔ تصویری نادرست از اهداف و پیامدهای انقلاب، رویکرد امام خمینی به این تبلیغات نادرست چه بود؟ و ایشان با چه مشی و ایده‌ای تلاش نمودند تا از این تهدید به‌عنوان فرصتی برای صدور الگوهای انقلاب بهره‌برند؟ زیرا می‌توان گفت ایران‌هراسی پدیده‌ای است که با پیروزی انقلاب اسلامی وارد مرحلهٔ حادث‌تر و جدی‌تری گردید. به‌طوری که مهم‌ترین مؤلفه‌های ایران‌هراسی را می‌توان در تبلیغات سوء در باب قدرت و انگیزه‌های تهاجمی انقلاب اسلامی، اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی ردیابی نمود. مؤلفه‌هایی که هرکدام مقابله با بخشی از ارزش‌های انقلاب اسلامی در بُعد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و حتی در ابعاد جهانی را مطرح نظر قرار داده است. چنانچه با پیروزی انقلاب اسلامی، اقدامات عملی در مبارزه با انقلاب اسلامی و ارزش‌های اسلامی آن نیز صورت گرفت که مهم‌ترین آن جنگ تحمیلی علیه ایران بود. امام خمینی در روند صدور انقلاب با شکل‌بندی فرهنگی به صدور انقلاب و اقدام به صدور ارزش‌های

اسلامی و انسانی تلاش می نمود تا مفاهیم و مؤلفه‌هایی را در صدور انقلاب مورد تأکید قرار دهد که پیامد آن تلاش برای خنثی‌سازی تبلیغات نادرست علیه انقلاب اسلامی و نظام اسلامی از یکسو و ایجاد اتحاد حداکثری در بین دولت‌ها و ملت‌های منطقه از سوی دیگر شود.

واژگان کلیدی: ایران‌هراسی، انقلاب اسلامی، صدور انقلاب، امام خمینی.

۱. مقدمه

با تکیه بر ویژگی‌های انقلاب اسلامی، رهبر انقلاب اسلامی با توجه به شرایط بین‌المللی و منطقه، مهم‌ترین مشترکات تعیین‌کننده در سرنوشت ملت‌های منطقه را به‌عنوان بنیان‌های اصلی رویکرد صدور انقلاب اسلامی قرار دادند تا هم برای مقابله با قدرت‌های بیگانه وحدت و تفوق بین‌المللی حاصل شود و هم در رسیدن به یک هدف مشترک دارای مفاهیم و اصول مشترک و تأثیرگذار با سایر ملت‌های مسلمان و مردم مستضعف باشند. در این مورد در موضوع صدور انقلاب اسلامی ایران در رابطه با ملت‌های منطقه و تعامل با آن‌ها در راهبرد صدور انقلاب، موانع و چالش‌های زیادی وجود دارد، ولی در کنار آن ظرفیت‌های بسیار مهمی در همسویی و نزدیکی آمال مطلوب در بین ملت‌های منطقه با توجه به شرایط جغرافیایی و مشترکات فرهنگی و مذهبی قابل مشاهده است که این امر در مسئلهٔ صدور انقلاب بایستی مورد تبیین قرار گیرد (اسپوزیتو، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

انقلاب اسلامی ایران که در بستری دینی قابل بررسی است، اسلام را الگوی خود معرفی می‌کند و در چهارچوب آن به انسان و جهان پیرامون آن می‌نگرد؛ لذا اساس ایده‌های انقلاب اسلامی را می‌توان در یک بستر مذهبی به نام اسلام شیعی واکاوی کرد. مذهبی که حداقل از زمان قدرت‌گیری صفویه در ایران همواره حافظ هویت ملی، استقلال و حامی بسیج مردمی تلقی می‌شده است (اسپوزیتو، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

در دیگر سو، دشمنان انقلاب اسلامی در برخورد با انقلاب اسلامی و تلاش برای خنثی کردن پیامدهای انقلاب اسلامی که در تضاد با منافع و ارزش‌های استکبار بود، به تبلیغات شدید علیه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و ارزش‌های آن پرداختند.

با توجه به اهمیت مسائل روز منطقه و نیاز به ایجاد یک افق مشترک در بین ملت‌های منطقه در مسائل و موضوعات بین دولت‌ها لازم و ضروری است که به اشتراکات و همسویی‌های موجود

بین اهداف انقلاب اسلامی و ملت‌های منطقه بیشتر توجه شود تا با پژوهش‌هایی از این دست زمینه و بستر مناسبی برای حل مناقشات و همگرایی بیشتر بین دولت‌های منطقه گام برداشت. این مقاله تلاش دارد تا با معرفی مهم‌ترین مؤلفه‌های ایران‌هراسی در کنش‌های دشمنان انقلاب به بررسی و ردیابی رویکرد امام خمینی به این مؤلفه‌ها در مفهوم صدور انقلاب بپردازد. همچنین تلاش دارد تا روند بی‌اثر کردن مؤلفه‌های ایران‌هراسی را در ساحت اندیشه و عمل رهبر انقلاب اسلامی در مفهوم صدور انقلاب مورد بررسی و تبیین قرار دهد. به نظر می‌رسد هم رهبر انقلاب اسلامی ایران و هم دشمنان انقلاب در یک کنش واکنش به این مؤلفه‌ها توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در نهایت این مقاله سعی دارد به این پرسش اساسی پاسخ دهد که با توجه به تلاش‌های دشمنان انقلاب اسلامی و ایران در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای ارائه تصویری نادرست از اهداف و پیامدهای انقلاب اسلامی، رویکرد امام خمینی به این تبلیغات نادرست چه بود؟ چه مفاهیمی را برای بی‌اثر کردن این نگرانی‌ها و هراس‌های بی‌مورد که در پروژه ایران‌هراسی قابل جمع‌بندی است، انتخاب کردند؟ و اساساً در مواجهه با این وقایع، چه رویکردی را برای صدور الگو ارزش‌های انقلاب اسلامی اتخاذ نمودند؟

به‌علاوه، پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اهدافی چون مروری بر رویکرد امام خمینی به مسئله صدور انقلاب اسلامی، مؤلفه‌های ایران‌هراسی در تقابل با ارزش‌های انقلاب اسلامی و ردیابی مسئله صدور انقلاب از منظر امام را با تکیه بر مقوله ایران‌هراسی در پی پاسخ به پرسش مزبور برآمده است.

۲. پیشینه تجربی پژوهش

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد پدیده ایران‌هراسی، ویژگی‌های آن، پیامدها و نتایج آن به نگارش درآمده است. بنابراین شرایط اقتضا می‌کند که به چند نمونه از این پژوهش‌ها (که تا حدی به تحقیق حاضر نزدیک هستند) پرداخته شود.

«بررسی پدیده اسلام‌هراسی و راه کارهای قرآنی مقابله با آن» عنوان مقاله‌ای است که به قلم طباطبایی، عزیزاده و اعتمادی فر (۱۳۹۷) به رشته تحریر درآمده است. در این مقاله به پدیده اسلام‌هراسی و راه‌های مقابله با آن به‌عنوان محور پژوهش توجه شده است.

مقاله «اسلام‌هراسی و سناریوهای پیش‌روی آن» به قلم عیوضی و فلاح حسینی (۱۳۹۶) به چالش‌های سیاسی ایران در مواجهه با این پدیده می‌پردازد.

پورمحمدی و کاظمی (۱۳۹۳) در مقاله «جایگاه فرهنگ در تکوین ایران‌هراسی فرهنگی در حوزه کشورهای خلیج فارس» به کنش کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به تضادهای فرهنگی بین ایران اسلامی با کشورهای مذکور پرداخته‌اند.

در اثری دیگر با عنوان «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و ایران‌هراسی دولت‌های عربی منطقه»، آدمی، حبیبی، بخشی تلایبی (۱۳۹۱) به بیداری اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی پرداخته و تلاش نموده‌اند تا تأثیر آن در کنش‌های دولت‌های عربی را مورد بررسی قرار دهند.

در مقاله «اشکال ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در جهان امروز و راهکارهای فرهنگی مقابله با آن»، نویسنده اثر، صادقی (۱۳۸۹) به بررسی مؤلفه‌های ایران‌هراسی پرداخته و بیشتر اشکال ایران‌هراسی را اولویت قرار داده است.

بنابراین، به نظر می‌رسد اثری مستقل که به ردیابی تأثیر این پدیده در نزد جریان‌های انقلاب اسلامی و به‌خصوص در رویکرد امام خمینی و مفهوم صدور انقلاب اسلامی پرداخته شده باشد، وجود ندارد. این پژوهش تلاش دارد تا راهکارها و دغدغه‌های رهبر انقلاب اسلامی ایران را با توجه با گسترش تبلیغات علیه انقلاب اسلامی مورد بررسی و پژوهش قرار دهد؛ بنابراین واضح است که در طی تحقیق‌های اخیر هیچ‌گاه تلاش نشده است تا نسبت مسئله ایران‌هراسی با الگوهای صدور انقلاب مورد مذاقه قرار گیرد که این امر از یک‌طرف وجه نوآوری چنین تحقیقی را روشن‌تر می‌کند و از طرف دیگر نیز تلاش دارد تا خلأ نظری در این زمینه پر گردد.

۳. چهارچوب نظری و روش

تحلیل‌گران کیفی از مدت‌ها قبل خاطر نشان ساخته بودند که در تحقیقاتی که با تعداد بسیار اندکی از موردها و به‌ویژه یک مورد خاص و منفرد روبرو هستیم، استنباط علی فقط از راه تجزیه و تحلیل فرآیندی که علت را به معلول پیوند می‌زند، امکان‌پذیر است. روش‌شناسان متأخر به این تحلیل‌گران کمک نموده‌اند تا درک و شناخت صورتی‌تری از این تکنیک در تحقیقات N کوچک و مطالعات موردی ارائه دهند (طالبان، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

ردیابی فرآیند، فنی است که به محقق کمک می‌کند تا به بررسی مکانیسم‌های معینی بپردازد که از طریق آن‌ها یک متغیر مستقل به یک متغیر وابسته پیوند می‌خورد. گرچه بخش مهمی از استنباط علی شامل مشخص نمودن تأثیر علی یک متغیر خاص تبیینی بر متغیر وابسته است، ولی

برای بسیاری از تحلیلگران کیفی، بخش مهم‌تر عبارت است از مشخص نمودن مکانیسم‌های علی که یک متغیر تبیینی یا مستقل را به یک متغیر تابع یا وابسته پیوند می‌دهد (ماهونی، ۲۰۰۰: ۴۱۲؛ به نقل از طالبان، ۱۳۸۴: ۱۵۴). مکانیسم‌های علی می‌توانند به‌عنوان فرآیندها یا متغیرهای میانجی واسط که از طریق آن‌ها یک متغیر تبیینی اثری علی روی متغیر تابع می‌گذارد، تعریف شوند. کوشش برای استنباط علیت از طریق مشخص نمودن و تعیین مکانیسم‌های علی را می‌توان ردیابی فرآیند نامید. ردیابی فرآیند دربرگیرنده تحلیل یک مورد بر اساس توالی وقایع یا حوادث (توالی‌های زنجیره‌ای یا چندین توالی متصل به هم) است (بنت و جورج، ۱۹۹۷: ۵۸؛ گلدستون، ۲۰۰۳: ۴۷؛ رجوع کنید به طالبان، ۱۳۸۸: ۱۵۵-۱۵۴).

ردیابی فرآیند در مطالعه موردی کلان‌پایه در علوم اجتماعی و سیاسی غالباً مبتنی بر این پیش‌فرض است که مطالعه تبیینی یک پدیده خاص و منفرد (مثلاً انقلاب ایران) مستلزم فهم فرآیند وقوع یا ردیابی توالی علی حوادثی است که متعاقب هم آمده‌اند. از این رو، برای تبیین یک واقعه خاص باید آن را در یک پیوستار علی قرار داد و مراحل مختلف وقوع آن پدیده را روشن ساخت. در عین حال، از ردیابی فرآیند می‌توان برای نظریه‌آزمایی یا نشان‌دادن مطابقت پیش‌بینی‌ها با واقعیات تجربی در یک مورد خاص نیز استفاده نمود (گلدستون، ۲۰۰۳: ۷۲؛ به نقل از طالبان، ۱۳۸۸: ۲۲۸).

بنابراین در این نوع پژوهشی که از حیث موضوعی، تحقیقی کیفی - توصیفی محسوب می‌شود، تلاش بر این است تا با بهره‌بردن از الگوی ردیابی فرآیند و با روش اسنادی - کتابخانه‌ای و همچنین تحلیل محتوای آثار امام خمینی (خاصه صحیفه امام) در بی‌نیل به هدف و پاسخگویی به پرسش اصلی پژوهش برآمد.

۴. مباحث مفهومی

ایران‌هراسی: ایران‌هراسی پروژه‌ای راهبردی است که بر اساس آن، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی است.

اسلام‌هراسی: اسلام‌هراسی مفهومی است که به پیش‌داوری و تبعیض غیرعقلانی در قبال مسلمانان اشاره دارد (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۸۱).

صدور انقلاب: آشوری مفهوم صدور انقلاب را مجموعه اقداماتی می‌داند که حکومت انقلابی پیروز شده در یک انقلاب برای ترویج شکل مشابه آن به خارج انجام می‌دهد و نسخه

صادر شده به‌عنوان یک نمونه جهانی به تمام دنیا عرضه می‌گردد (آشوری ۱۳۸۷: ۱۳۱). به عبارتی، صدور انقلاب به این معناست که انقلابیون تلاش می‌کنند اهداف و رسالت‌های انقلاب خود را به فعلیت برسانند و انقلاب خود را به‌عنوان نمونه‌ای ایدئال برای سایرین عرضه نمایند. به این ترتیب صدور انقلاب نقطه عطفی است که انتشار تمامی پیام‌های انقلاب را میسر می‌کند (کریمی، ۱۳۹۰: ۴۹).

۵. بحث و یافته‌های پژوهش

در این بخش می‌توان نخست به انقلاب اسلامی و مواجهه آن با ایران هراسی، سپس اندیشه سیاسی امام خمینی و رویکرد ایشان به مسئله صدور انقلاب و در نهایت مؤلفه‌های ایران‌هراسی در مسئله صدور انقلاب پرداخت. این اهداف ذیلاً محقق شده‌اند.

۵-۱. انقلاب اسلامی ایران و مواجهه آن با ایران‌هراسی

ایران‌هراسی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به‌ویژه در یکی دو دهه اخیر در راستای تحقق اهداف مهمی چون ممانعت از تبدیل شدن ایران به هژمون منطقه‌ای، تخریب چهره ایران و امنیتی‌سازی مسئله ایران در دستور کار رسانه‌ها، ساختارهای دولتی و اتاق فکر کشورهای رقیب و دشمنان جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. ایران‌هراسی یکی از راهبردهای تبلیغاتی و جنگ روانی در سیاست خارجی آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی علیه جمهوری اسلامی ایران بود (سلحشور، ۱۳۹۳: ۱۲۵). طرح ایران‌هراسی به وسیله تبلیغات سنگین رسانه‌ای و ایجاد عملیات روانی، علاوه بر حوزه کشورهای غربی، در حوزه کشورهای عربی و کشورهای منطقه نیز گسترش یافته و با تحرکات سیاسی بسیار در رسانه‌ها و شبکه‌های عربی نیز در حال شکل‌گیری و راهبری است (ملک محمدی، ۱۳۹۱: ۲۲۹). این اصطلاح همچنین بی‌اعتمادی، نفرت، انزجار، حسادت، تبعیض، تعصب، نژادپرستی، ترس و بیزاری از ایرانیان به‌عنوان یک گروه نژادی، قومی، زبانی و مذهبی را در بر می‌گیرد. در مجموع، ایران‌هراسی به‌عنوان یک سیاست، طی سالیان متمادی برای اهداف مختلف به کار گرفته شده است (خواجه سروی و بهرامی، ۱۳۹۳: ۸۹). این روند با پیامدهایی چون ترس بسیار زیاد و غیرواقعی که با چاشنی بزرگنمایی همراه است، اهداف خود را دنبال می‌کند. پدیده ایران‌هراسی با پیروزی انقلاب اسلامی و قرار گرفتن ایران در برنامه‌های تبلیغاتی آمریکا به‌عنوان دشمن منطقه‌ای و جهانی صلح و ایجاد احساس تهدید از

سوی ایران برای کشورهای منطقه وارد مرحله جدی خود گردید. در این تبلیغات رسانه‌ای به شیوه بزرگ‌نمایی، ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در صدر صدور افکار انقلابی در منطقه برآمده و از جنبش‌های سیاسی اسلام‌گرا حمایت کرده و آنان را علیه حاکمیت‌های منطقه‌ای تحریک کرده است و به‌عنوان تهدیدی برای جهان و منطقه به شمار رفته است و با پیش کشیدن مؤلفه صدور انقلاب که از پیامدهای انقلاب اسلامی می‌باشد، به‌عنوان یک پدیده مضر و تهدیدآمیز در نظم بین‌الملل تبلیغ شده است (دلاورپور، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

پدیده ایران‌هراسی و گسترش تبلیغات علیه انقلاب اسلامی با توجه به مسائل و بحران‌های به وجود آمده برای انقلابیون هیچ‌گاه از دید رهبر انقلاب اسلامی دور نبوده است. امام خمینی در مفهوم صدور انقلاب و شکل‌بندی آن با توجه به ماهیت جهان‌شمول دین اسلام از رویکرد فرهنگی با هدف کاهش اختلاف‌ها و تضادها و رسیدن به یک اتحاد حداکثری بین ملت‌ها برای مبارزه با استکبار و دشمنان انقلاب استفاده نموده است؛ بنابراین در این بخش ابتدا مروری کوتاه بر الگوی صدور انقلاب از منظر امام خمینی داشته و سپس تلاش بر این است تا با تکیه بر مؤلفه‌هایی چون ایران‌هراسی، اسلام‌هراسی و... رابطه و نحوه به‌کارگیری از این تهدیدها به‌عنوان روش‌های صدور بیشتر و بهتر الگوها و آرمان‌های انقلاب از منظر و جایگاه ایشان مشخص و مورد مذاقه واقع گردد.

۲-۵. اندیشه سیاسی امام خمینی و رویکرد ایشان به مسئله صدور انقلاب

امام خمینی با شناخت عمیق و همه‌جانبه از اسلام و ابعاد انقلاب اسلامی و آگاهی، شناخت و بصیرت کامل به شرایط زمانی و مکانی و همچنین شناخت کامل از نظام بین‌المللی و دشمنان اسلام، امت اسلامی و انقلاب اسلامی و ابعاد و شیوه‌های دشمنی آنان، ضمن یادآوری دشمنی جامع‌الابعاد آمریکا، صهیونیسم و کمونیسم با اسلام و انقلاب اسلامی، حفظ و تداوم انقلاب اسلامی را عمق‌بخشی و گسترش پهنه انقلاب اسلامی در داخل و خارج از ایران می‌دانستند و بر این اساس همواره بر صدور انقلاب به شیوه جامع و کارآمد تأکید می‌کردند (اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

در انقلاب اسلامی ایران با توجه به رویکرد امام در مسئله صدور انقلاب با نوع معتدلی از صدور انقلاب مواجه هستیم. امام خمینی ضمن این‌که اقدام به صدور انقلاب اسلامی را یک تکلیف شرعی قلمداد کرده‌اند، تداوم و کارآمدی و تحقق اهداف انقلاب را وابسته به صدور

آن دانسته‌اند. در رویکرد امام خمینی در مسئله صدور انقلاب می‌توان اهداف مختلفی را ردیابی کرد که تمامی آن‌ها را در محور وحدت‌بخشی و تجمیع تمامی ملت‌ها اطراف مفاهیم مشترک می‌توان مشاهده نمود. از سویی دیگر، تنها با ابزارهایی از جنس فرهنگ می‌توان در عمق باورها و اعتقادات ملت‌ها رسوخ کرد و ائتلاف‌ها و اتحادهایی پایدار را در نظام بین‌الملل بنیان نهاد. از این دیدگاه، به کارگیری دیپلماسی فرهنگی را نه تنها برای دستیابی به اهداف فرهنگی، بلکه برای نیل به اهدافی با ماهیت سیاسی، امنیتی و حتی نظامی نیز می‌توان تجویز کرد (موسوی صمدی، ۱۳۹۴: ۲۴). مهم‌ترین مشخصه این رویکرد، معرفی صحیح اسلام و ارزش‌های اسلامی برای دیگران است. امام خمینی با این روند تلاش می‌کرد تا در مقابل تبلیغات سوء دشمنان انقلاب با بهره‌گیری از ظرفیت‌های متعالی اسلامی و انسانی، صدور انقلاب را به تمامی ملت‌ها معرفی نمایند.

از سویی باید گفت که ایدئولوژی اسلامی، از نوع انسانی و مبتنی بر فطرت عمومی است؛ لذا مخاطب آن ابناء بشر است و نه طبقه یا گروهی خاص (مطهری، ۱۳۸۴: ۷۸). بر این اساس نباید از این واقعیت غافل شد که صدور اسلام و ایده‌های اعتقادی و دینی در یک وظیفه قرآنی ریشه دارد که مسلمانان را در جهت تبلیغ و تحقق پیام الهی در سراسر گیتی فرامی‌خواند. چنانچه ایده جهان‌گرایی صدور انقلاب در رویکرد امام خمینی نیز در ایدئولوژی اسلامی و فرهنگ سیاسی اسلامی-ایرانی ریشه دارد و در واقع باید گفت که آرمان استقرار جامعه پاک و عادلانه جهانی در فرهنگ سیاسی ایران باستان و اسلام، به‌خصوص در تشیع، زمینه‌ساز این نوع رویکرد است (اسپوزیتو، ۱۳۸۷: ۵۹). چنانچه حضرت امام با بازتعریف گفتمان اسلام سیاسی و شیعی در قالب گفتمان اسلام ناب محمدی^(ص) از منازعه خرد گفتمان‌ها در درون جهان اسلام ممانعت و رقیب هویتی و گفتمانی خود را غرب قرار داد (علوی و رهبر، ۱۳۹۸: ۵۹).

بنابراین امام خمینی با تکیه بر چنین مبانی و عقاید دینی برگرفته از ائمه معصومین و همچنین تحقق آرمان‌های فرهنگی-اسلامی برگرفته از پیروزی انقلاب اسلامی، الگوی صدور ارزش، آرمان و اهداف انقلاب را در پیش گرفتند که هدف از طرح این نظریه / الگورا می‌توان در چند مورد زیر خلاصه نمود:

۱. ایجاد یکپارچگی فکری و سیاسی در بین ملل اسلامی که مهم‌ترین پیامد آن می‌تواند وحدت و یکپارچگی دولت و ملت‌های مسلمان شود؛
۲. اعمال نظر بیشتر و گسترده‌تر در عرصه موضوعات بین‌المللی و منطقه‌ای که این امر هم

با وحدت دولت‌های منطقه میسر می‌گردد؛

۳. ایجاد یک هویت یکپارچه به منظور تحقق اهداف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی.

۵-۳. مؤلفه‌های ایران‌هراسی و رویکرد امام خمینی به این پدیده در مسئله صدور انقلاب

۵-۳-۱. تبلیغات سوء در مورد قدرت تهاجمی انقلاب اسلامی ایران و نرس از آن

درواقع یکی از دلایلی که قدرت‌های دیگر تلاش می‌کردند تا در تبلیغات ایران‌هراسی خود به آن پردازند، ایجاد تشویش و نگرانی از قدرت تهاجمی انقلاب اسلامی ایران و قدرت‌های تهاجمی چنین انقلابی بوده است. قدرت‌های غربی با استفاده از این بهانه تلاش داشتند تا با تبلیغات سوء در مورد اهداف تهاجمی ایران به ایجاد ائتلاف‌هایی علیه ایران و انقلاب اسلامی در منطقه اقدام نمایند. تلاش قدرت‌های غربی بر این بود که این ائتلاف‌های منطقه‌ای با رویکرد ضد ایران با رهبری قدرت‌های فرامنطقه‌ای ایجاد شود. کشورهای غربی و در رأس آن‌ها آمریکا تلاش می‌کردند تا نفوذ و قدرت ایران را در منطقه و در بین کشورهای همسایه ایران با تشویق دولت‌های غربی برای اتخاذ یک سیاست ضد ایرانی محدود کنند. جرعه اصلی این فرایند در موضوع اشغال سفارت آمریکا در تهران زده شد. با عمیق‌تر شدن بحران گروگان‌گیری، حمله رسانه‌های غربی به ایران آغاز شد و تلاش کردند تا تهدیدی جدی از ایران بر ساخته شود و با شکست اقدام نظامی آمریکا به منظور آزادی گروگان‌ها در اردیبهشت ۱۳۵۹ که به واقعه طیس معروف است، این فرایند شدت بیشتری پیدا کرد (مهدی‌زاده و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

ایران‌هراسی در طی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به اوج خود رسید. بسیاری بر این اعتقادند که آمریکا از طریق جنگ تلاش نمود تا قابلیت‌های ساختاری را در روند مقابله با جهان غرب به حداقل ممکن برسانند. کشورهای غربی تلاش همه‌جانبه‌ای به انجام رساندند تا قدرت استراتژیک عراق را افزایش داده و از سوی دیگر، قابلیت‌های ایران برای مقابله با تهدیدات جهان غرب را کاهش دهند. در این ارتباط، بسیاری اعتقاد دارند که حمله نظامی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان نمادی از جنگ نیابتی دانست؛ جنگی که از سوی عراق و بر اساس منافع آمریکا شکل گرفته بود (متقی، ۱۳۸۷: ۱۶). رژیم بعث عراق تجاوز به جمهوری اسلامی ایران را با موضوع ایران‌هراسی گره زد و از آن به‌عنوان جنگ میان اعراب و ایرانیان نام برد. تبلیغات غرب تلاش داشتند تا نیت تهاجمی ایران را ابتدا برای کشورهای مجاور ایران و سپس برای کل جهان تهدیدی جدی معرفی نمایند و در این راستا اهداف خود را دنبال می‌کردند؛ درواقع

هنگامی که دیگران معتقد به نیت تهاجمی از سوی طرف مقابل باشند، هراس آنان بیشتر شده و تلاش بیشتری برای محدود کردن آن صورت خواهند داد. منطبق چنین رفتاری روشن است؛ زیرا از آنجا که متقاعد کردن دولت مهاجم برای دست برداشتن از سیاست‌های تهاجمی غیرممکن به نظر می‌رسد، تنها راه باقی‌مانده، تشکیل ائتلافی برای محدود کردن آن است (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۶). مهم‌ترین هدف دشمنان انقلاب از مؤلفه ایران‌هراسی، ایجاد یک فضای انزوا برای انقلاب اسلامی است.

امام خمینی با توجه به تبلیغات سوء دشمنان انقلاب و تلاشی که دشمنان برای ایجاد هراس بین ملت‌های منطقه از طرف انقلاب اسلامی ایجاد می‌کردند، تلاش داشتند تا در شکل‌بندی مفهوم صدور انقلاب توجه ویژه‌ای داشته باشند. مفهوم صدور در اندیشه امام خمینی نه تنها دخالت در سرنوشت و امور ممالک دیگر نیست، بلکه به معنی اشاعه و ترویج تفکر ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی در بین ملل مستضعف و اسلامی است. با توجه به بنیان‌های شکل گرفته در مفهوم صدور انقلاب اسلامی، امام خمینی می‌فرماید:

ما که می‌گوییم «انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم»، می‌خواهیم این را صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۹۰).

همچنین در مورد آرمان‌های صلح‌طلبانه صدور انقلاب در بین ملت‌ها می‌فرماید: ما می‌خواهیم بین ملت‌ها و دولت‌ها آشتی بدهیم. دولت‌ها اگر توجه بکنند و یا مطالعه کنند وضع ایران را و ببینند ملت ایران با دولت چه وضعی دارد، گمان ندارم که آنها تحت تأثیر واقع نشوند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۹۶).

امام خمینی حتی جنگ بین ایران و عراق را جنگ دو دولت معرفی نمی‌کردند و اعتقاد داشتند به وجود آمدن این جنگ به کمک قدرت‌های استکباری و هدف از آن نیز از بین بردن انقلاب اسلامی است و این جنگ را جنگ اسلام و کفر معرفی کرده و پیروزی در جنگ علیه «کفار» را پیروزی تمام مسلمانان و انسان‌های حق‌جو می‌دانست. به طوری که در پیامی تصریح می‌کند:

شما الان از تمام اطراف دنیا هدف هستید؛ یعنی، این انقلاب اسلامی ایران همچو در دنیا چهره پیدا کرده است که همه قدرتهای بزرگ را به وحشت

انداخته است که مبادا این انقلاب به آن چهره واقعی که دارد، همه جا توجه به آن بکنند و يك وقت ابرقدرتها ببینند که ممالک اسلامی و ممالک دیگر هم از دست آنها رفت. از این جهت، کوشش می‌کنند، به همه قوا کوشش می‌کنند که اینجا، که هسته مرکزی این انقلاب و نهضت اسلامی است، اینجا را بکوبند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۳۶۹).

با توجه به روند تبلیغاتی که در مورد انقلاب اسلامی و پیامدهای آن و ایجاد نگرانی در بین ملت‌های منطقه به وجود می‌آوردند، امام خمینی در همان سال‌های اول انقلاب با ترسیم اهداف انقلاب اسلامی تصریح نمودند که:

اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم... معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۲۸۱).

امام خمینی برای دیدگاه افراطی صدور انقلاب با طرح موضوعاتی چون معرفی صحیح اسلام با تبلیغات، عمل مطابق با اسلام، عمل و اخلاق، شناساندن انقلاب به دنیا، دعوت به اسلام و صدور ارزش‌های انسانی، آشناسازی مستضعفان با حکومت عدل اسلامی را عامل و ملاک‌هایی برای صدور انقلاب دانسته‌اند. (اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). در رویکرد امام خمینی، صدور انقلاب انتقال ارزشمند یک نهضت دینی است که در چهارچوب بنیان فکری و مکتب اسلامی شکل گرفته است و نوید آزادگی و رهایی را به ملت دربند و تحت اسارت اسلامی می‌دهد و توجه به این مفاهیم دقیقاً نقطه برعکس تبلیغات علیه انقلاب اسلامی بوده است و امام با تأکید بر این مفاهیم تلاش می‌کردند تا ملت‌ها و دولت‌های حق‌جو در دام توطئه‌های تبلیغات دشمن قرار نگیرند.

۵-۳-۲. اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی به اصطلاح، ایجاد هراس و نفرت برنامه‌ریزی شده از اسلام و مظاهر اسلامی و در نتیجه رواشمردن گونه‌های مختلف تبعیض، خشونت و اعمال محرومیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ارتباطی علیه مسلمانان (اعم از اقلیت‌های مقیم یا جوامع اسلامی) و نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط است (عیسی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۷). همچنین پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی است که

با مؤلفه‌های فراوان سیاسی، فرهنگی، روانشناختی، اجتماعی و عقیدتی سرو کار دارد که در هر حوزه جغرافیایی وضعیت خاصی یافته است (صادقی، ۱۳۹۸: ۵۱). اسلام‌هراسی اگرچه در سال‌های گذشته شدت بیشتری به خود گرفته است، اما چگونگی شکل‌گیری آن در تقابل شرق و غرب و غیرت‌سازی این دو تمدن نهفته است.

راهبرد اسلام‌هراسی که در دو سده اخیر و با ضعف و کاستی جوامع اسلامی کمتر در جهان غرب نمود و برجستگی داشت، از نیمه دوم قرن بیستم و با وقوع جنبش‌های آزادی‌خواهی اسلامی و مهم‌تر از همه انقلاب اسلامی ایران تشدید شد. وقوع انقلاب اسلامی که با شگفتی و بهت جهانیان و باورها و آموزه‌های دینی ملازم بود، جهان غرب را به تکاپو و تقابل با آن واداشت؛ به همین دلیل بود که غرب، پیروزی انقلاب اسلامی را خطری عمده از جانب تمدن اسلامی برای خود پنداشت و ابعاد گسترده رسانه‌ای غرب سعی در شکل‌دهی افکار عمومی ضد این پدیده نوین داشت (آجیلی و قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۳۱). در نگاهی کلی، عمده اقدامات اسلام‌هراسانه کشورهای غربی را می‌توان در نوع دیدگاهشان در قبال فرهنگ و ارزش‌های برخاسته از انقلاب اسلامی خلاصه کرد. فرهنگ اسلامی به‌عنوان مجموعه‌ای از عقاید، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، الگوها و شیوه‌های عمل است که منبعث از شریعت اسلام است (میرمحمدصادقی و حاجی‌مینه، ۱۳۹۷: ۱۳۵).

رسانه‌های غربی با ایجاد یک فضای مملو از خصومت و تقابل خشونت‌آمیز و به‌خصوص تبلیغ بر اجتناب‌ناپذیر بودن این تقابل خشونت‌آمیز تلاش می‌کردند با توجیه و تشدید این اختلاف، مفروضات دهشتناکی را در تبلیغات خود ترسیم نمایند. قدرت‌های غربی با برجسته‌نمودن مفاهیمی چون خشونت و عدم برابری و سایر مصادیق مشابه به ایجاد یک دوگانگی جدی و تهدیدآمیز بودن اسلام تلاش می‌کردند. در این رویکرد نسبت به اسلام از برخی اندیشمندان نیز کمک خواستند. آمریکایی‌ها انبوهی از نگرش‌های منفی درباره جهان اسلام دارند که توسط رسانه‌های گروهی تقویت و زنده نگاه داشته می‌شود. این دیدگاه‌ها نقش عمده‌ای در سیاست‌گذاری ایالات متحده نسبت به کشورهای مسلمان و غرب دارد (متقی، ۱۳۸۷: ۲۲۰).

از دیدگاه متفکران غربی نیز اسلام همواره متعلق به شرق دانسته شده و سرنوشت خاص آن در ساختار عمومی مطالعات شرق‌شناسی این بوده است که نخست امری یکپارچه و یکدست تصور گردد و دوم با دشمنی وحشت‌خاصی به آن نگریده شود (سعید، ۱۳۷۷: ۴۵). در این فرآیند یک نوع «دیگر بودگی» مسلمین از نظر مسیحیان و برترانگاری خود که ریشه در

آموزه‌های کلیسا دارد، عامل اصلی اسلام‌هراسی غربی‌هاست (ناصری، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

اواخر دهه هفتاد میلادی، ایران به‌عنوان محور اصلی «نمایش اسلام در رسانه‌های غرب» مطرح شد. انقلاب ایران، جنبشی که در چنین مقیاس وسیعی بعد از انقلاب بلشویکی روسیه در اکتبر ۱۹۱۷ به این سو بی‌سابقه بود، به رهبری آیت‌الله خمینی و «با مشارکت و خروش عظیم مردم» رژیم شاهنشاهی را سرنگون ساخت؛ حکومتی که شدیداً تحت حمایت و پشتیبانی آمریکا قرار داشت و مهم‌ترین متحد آن در منطقه به شمار می‌رفت. در این مقطع بحرانی، تصاویر رهبر انقلاب ایران، وسایل جمعی را قبضه کرده بود. رسانه‌های غرب بدون اینکه مطلب درخور توجهی در خصوص شخصیت و ماهیت انقلاب ایشان انتشار دهند، همواره {با نگاهی سطحی} سعی داشتند وی را فردی سرسخت، انعطاف‌ناپذیر، قدرتمند و عمیقاً عصبانی از سیاست‌های آمریکا معرفی کنند (سعید، ۱۳۷۷: ۴۷). تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جدایی دین از سیاست یا همان سکولاریسم ایده کاملاً پذیرفته شده‌ای در سراسر دنیا بود. شدت تفکر سکولاریسمی و عاری انگاشتن دین از هرگونه کارکرد سیاسی و اجتماعی به حدی بود که حتی در کشورهای اسلامی نیز گروه‌های مبارز مسلمان حرکت‌های مبارزاتی خود را اغلب با الهام از اندیشه‌های ملی‌گرایانه، سوسیالیستی یا کمونیستی انجام می‌دادند (بیگی، ۱۳۸۹: ۱۸۳). انقلاب اسلامی هویتی جدید به‌تمامی فعالیت‌های مبارزاتی در فضایی جدا و متفاوت از شرق و غرب بخشید که همین هویت در تبلیغات علیه انقلاب اسلامی مورد هدف قرار گرفته بود. امام خمینی در مورد بی‌اثر ماندن این تبلیغات سو می‌فرماید:

دیگر امکان ندارد از تبلیغات سوئی که در همه کشورهای خارجی و مخالف با اسلام انجام می‌گیرد در این ملت اثر بکند. و من امیدوارم که در ملت‌های دیگر هم این تبلیغات سوء اثر نکند و این بوقهایی که بر ضد کشور ما و بر ضد انقلاب اسلامی ما به راه افتاده است و از ترس اینکه مبدا این انقلاب به جای دیگر هم سرایت بکند در دست و پا افتاده‌اند، من امیدوارم که ملت‌ها بیدار بشوند و توجه داشته باشند که تمام این تبلیغات برای این است که اسلام را در همین جا خفه کنند و نگذارند اسلام به آن معنایی که هست، به آن معنای «لا شرقیه و لا غربیه» در جاهای دیگر هم پیاده بشود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۱۴۸).

مقوله استقلال‌طلبی، استکبارستیزی و مقاومت ایرانیان در برابر سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ است که در زمره بنیادی‌ترین ارزش‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند و در ارتباط تنگاتنگ

بازرزش‌های دیگری همچون آزادی، عدالت، جهاد، ایثار و شهادت منظومه گفتمانی انقلاب اسلامی را هویت و معنا بخشیده‌اند (حال‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۴) که دشمنان انقلاب از طریق تبلیغات خود تلاش می‌کردند با ایجاد یک فضای و تأثیرگذاری منفی بر مخاطبان خود، نوعی یأس و نگرانی از انقلاب اسلامی ایران را نشان دهند که بتوانند چنین صفاتی را در سراسر جهان ترویج نمایند.

ایجاد ائتلاف بر پایه یک تقابل ایدئولوژیکی برای محدود کردن قدرت ایران با این هدف شکل گرفت که معتقد بودند ایران برای گسترش نفوذ خود در عراق، یمن، بحرین و سوریه می‌کوشد؛ بنابراین اعتقاد این ائتلاف دو عامل نخست تاریخ (امپراتوری عظیم و باشکوه گذشته) و دوم ناسیونالیسم (پارسی‌گرایی) که با پیروزی انقلاب اسلامی بُعد مذهبی و ایدئولوژیکی (شیعه) هم به‌عنوان عامل سوم به آن اضافه شد، سه محرک اصلی چنین سیاستی در جمهوری اسلامی به شمار می‌آیند (علی‌زاده و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۸). بر اساس این تبلیغات منفی، ساختار سیاسی اسلام با رنگ و بویی ایدئولوژیک تهدیدی برای این کشورها معرفی شده و همه اقدامات برای ایجاد و افزایش نگرانی کشورهای منطقه انجام شده است. امام خمینی معتقد بود: همه رسانه‌های گروهی، ایران را مورد حمله قرار داده‌اند. البته آنها خوب می‌دانند که انقلاب ایران اگر به همه جا برسد، فاتحه آنها خوانده می‌شود و دست آنان کوتاه می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۱۹۶).

توجه به انقلاب اسلامی و تلاش در معرفی نامناسب آن به دنیا از دغدغه‌های امام خمینی بود که در موارد بی‌شماری به آن اشاره می‌کند و راهکار آن را بیداری ملت‌ها و مراقبت از تبلیغات سوء می‌داند.

امروز کارهای ایران مورد توجه دنیا و خبرگزاری‌ها و مطبوعات و رادیوها و تلویزیون‌هاست و همه آنها مراقب هستند که چیزی پیدا نموده و با اضافات و دروغ‌پردازی‌ها به جمهوری اسلامی صدمه وارد سازند و با مصاحبه‌های صد در صد دروغ با افراد مغرض یا اظهار نظرهای بی‌مورد درباره افراد، می‌خواهند اذهان مردم را منحرف سازند. و یکی از چیزهایی که زیاد روی آن تبلیغ می‌کنند مسئله انقلاب و اسلام است چرا که مسلم است اگر اسلام رشد پیدا کند جلوی خائنین را می‌گیرد. و اگر ما می‌گوییم که انقلاب باید صادر بشود، یعنی اسلام باید در همه جا رشد پیدا کند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۱۳).

تشدید اختلافات قومی و مذهبی از راه کارهای اصلی دشمنان انقلاب برای ایجاد اختلاف و تشدید آن است و می‌توان گفت از برنامه‌هایی بود که جزء اولویت‌های تبلیغات علیه انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

تصورات و برداشت‌های ویژه‌ای در مورد اسلام و مسلمانان ترویج می‌شود که در چهارچوب آن‌ها به مسلمانان به مثابه گروهی استثنایی و دارای گرایش به خرافات، جمود فکری، خشونت و ترور و درعین حال سلطه‌نگری نگریده می‌شود، اما سهم آن در رشد و پیشرفت تمدن بشری نادیده گرفته می‌شود. پدیده اسلام‌هراسی در جهان غرب ریشه دوانیده و عمدتاً در آنجا فرصت ظهور پیدا کرده و از عوامل مهم سوء تفاهم و ناسازگاری مسلمانان با غیرمسلمانان به شمار می‌رود (عیوضی و فلاح حسینی، ۱۳۹۶: ۸۲).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ارزش‌ها و هنجارهایی که با منافع غربی‌ها تعارض داشت مطرح شد و همچنین با وقوع انقلاب اسلامی ایران افق‌های جدیدی به روی شیعیان گشوده شد و شیعیان به عاملی مؤثر در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شدند (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰). یکی از مهم‌ترین عوامل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، پیوند معنوی شیعیان جهان و مطرح شدن اسلام سیاسی در میان شیعیان است. سیاسی شدن شیعیان در شرایطی که اکثر آنان در منطقه حساس و ژئوپلیتیکی ساکن هستند و می‌توانند در سیاست‌های منطقه و جهان تأثیرگذار باشند، هراس غرب و دولت‌های غربی را برانگیخته است (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴). فرهنگ ایران نیز با خاصه‌هایی چون تشیع، ایرانی‌ت و فرهنگ انقلابی به صورت طبیعی با ویژگی‌های فرهنگی دیگر متفاوت است. تفاوت‌های مذهبی و دعاوی برآمده از پیدایش جریان‌های ملی‌گرایانه افراطی در جهان عرب به نقش فرهنگ در روابط ایران و جهان عرب اشاره دارد (احمدی، ۱۳۸۹: ۶۴). ولی این تفاوت با اقدامات و روند شیعه‌هراسی در بستر دشمنی با انقلاب اسلامی موجب ایجاد هراس و کشمکش بین ایران و ملت‌های منطقه و مسلمان شده و به ایجاد یک فضای هراس و نگرانی و در حالت کلی ایجاد زمینه دوری بین ملت‌ها و دولت‌های منطقه منجر گشته است. دشمنان انقلاب تلاش می‌کردند با استفاده از ابزارها و شیوه‌های مختلف تبلیغاتی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با شدت بیشتری دنبال گردید، این تفاوت فرهنگی و مذهبی را در محور تبلیغات سوء خود علیه انقلاب اسلامی قرار دهند.

درواقع شیعه و فرهنگ مخصوص به آن به‌عنوان یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی و یکی

از شاخص‌های هویتی ایران به شمار می‌رود. پیروزی انقلاب اسلامی با ایدئولوژی شیعی و با ماهیت مذهبی مخصوص به خود که منبعث از عناصر شیعه هست، در شکل‌بندی ساختار برآمده از انقلاب اسلامی تأثیر بسیاری داشته است. دشمنان انقلاب اسلامی با بازپروری و بزرگنمایی خطر شیعه در کشورهای عربی، وجود عناصر شیعه در انقلاب اسلامی را تهدیدی برای کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای اهل تسنن قلمداد کردند. امام خمینی می‌فرماید:

می‌دانید که همه، انقلاب ما را در خارج بر خلاف آنچه که هست منعکس کرده‌اند. بتدریج باید ما انقلاب خودمان را به خارج به نحوی که هست صادر کنیم. به آن نحوی که هست منعکس کنید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۱۹۰).

و مهم‌ترین گام دشمنان در این راه را نوعی ابهام‌آفرینی و سردرگم کردن مردم با تبلیغات دروغ می‌دانند و اشاره می‌کنند:

چه بسا تحت تأثیر تبلیغات دامنه‌دار رسانه‌های گروهی دشمنان اسلام و ایران قرار گرفته‌اند که از هر صبح تا شام بسیاری از وقت خود را صرف دروغ‌پردازی درباره اسلام و ملت ایران و دست‌اندرکاران خدمتگزار این کشور مظلوم کرده و می‌کنند و مردم پیاخته این مرز و بوم را به غیر از آنچه هستند معرفی می‌کنند، که شاید به واسطه این تبلیغات بسیاری از مردم مسلمان جهان یا باور نموده یا در ابهام به سر برند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰: ۹۵).

با اینکه شیعه هراسی ترفندی تبلیغاتی در کشورهای خاورمیانه و چالشی مهم برای کارآمدی دیپلماسی ایران در منطقه به شمار می‌رود، بهترین راه مقابله با این ترفندها استفاده هوشمندانه از دیپلماسی فرهنگی است (صادقی، ۱۳۹۸: ۶۴). امام خمینی با توجه به اهمیت این مسئله در رویارویی و بی‌اثر کردن تبلیغات سوء دشمنان فرمودند:

ما که می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، نمی‌خواهیم با شمشیر باشد بلکه می‌خواهیم با تبلیغ باشد.

اشخاصی که گاهی مطالبی گفته‌اند و متوجه به مطالب هستند، می‌خواهند جمهوری اسلامی را به هم بزنند. و ما از اول گفتیم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم. صدور انقلاب به لشکرکشی نیست، بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۷۲).

۶. نتیجه‌گیری

با پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش‌های دشمنان انقلاب اسلامی برای معرفی چهره‌ای نامناسب از انقلاب اسلامی و اهداف آن موجی از نگرانی و هراس را در بین ملت‌ها و دولت‌های منطقه و جهان به وجود آورد. دشمنان با تبلیغات سوء علیه انقلاب که با تشدید اختلافات بین دولت‌ها و ملت‌ها همراه بود، تلاش می‌کردند که فضای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را برای دولت‌های منطقه فضایی سراسر خشونت‌آمیز و توأم با تضادهای سیاسی و اجتماعی معرفی نمایند. با پیروزی انقلاب ایران، پدیده ایران‌هراسی با مؤلفه‌های هراس از قدرت تهاجمی ایران، اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی وارد مرحله حادث‌تری گردید. ایران‌هراسی و متعاقب آن اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی که با پیروزی انقلاب اسلامی وارد مرحله جدی‌تری شده بود، با اهداف منطقه‌ای و جهانی تلاش می‌کردند تا تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی را در منطقه به مرحله تنش با ملت‌ها و دولت‌ها تبدیل کنند. امام خمینی با توجه به این تلاش دشمنان انقلاب، رویکرد فرهنگی انقلاب را در حساس‌ترین مسئله فرامرزی انقلاب اسلامی، یعنی صدور انقلاب موردتوجه قرارداد. ایجاد بحران‌هایی برای ضربه به انقلاب اسلامی علاوه بر تبلیغات سوء از جمله اقدامات عملی دشمنان انقلاب اسلامی برای شکست ارزش‌های انقلاب اسلامی بود. امام خمینی با توجه به ارزش‌های فراگیر انقلاب و تأکید بر مهم‌ترین مفاهیم مشترک فرهنگی تلاش نمود تا با این رویکرد، پدیده ایران‌هراسی را که به شدت در منطقه به کار گرفته شده بود، بی‌اثر نماید. چنانچه جنگ تحمیلی عراق با ایران که با حمایت کشورهای غربی و در رأس آن آمریکا شکل گرفت، اقدامی علیه توسعه‌طلبی و ارزش‌های فرهنگی جامعه‌ی ایران و همچنین در راستای پروژه شیعه‌هراسی بود که مقابله با آن از سوی حضرت امام به عنوان جنگ تمام‌عیار اسلام در برابر استکبار معرفی شد؛ رویکردی که با توجه به جهان‌بینی الهی امام خمینی باهدف اتحاد همهٔ مسلمانان و ملت‌های تحت ظلم و با تأکید بر ارزش‌های اسلامی و انسانی دنبال می‌گردید.

منابع

۱. آدمی، علی؛ سید مهدی حبیبی و رامین بخشی تلیابی. (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی و ایران‌هراسی دولت‌های عربی منطقه»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، پیاپی ۲، ۱۴۱-۱۶۰.
۲. بیگی، مهدی. (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دانشگاه امام

- صادق^(ع)، چاپ سوم.
۳. پوراحمدی، حسین. (۱۳۹۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب.
۴. جمالزاده، ناصر. (۱۳۹۱)، «قدرت نرم در انقلاب اسلامی و نظریهٔ صدور فرهنگی انقلاب»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۴، ۶۱-۸۶.
۵. خانیکی، هادی. (۱۳۸۴)، گفتگوی تمدن‌ها: زمینه‌ها و چشم‌انداز پیدایش یک نظریه، تهران: دانشگاه تهران.
۶. خواجه سروی، غلامرضا. (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در لبنان»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال دوم (۴)، ۱۲۷-۱۴۷.
۷. دبیری مهر، امیر. (۱۳۸۳)، تأثیر رسانه‌ها بر روابط بین‌الملل، باشگاه اندیشه.
۸. دلاورپور، اقدم. (۱۳۸۸)، شیعه هراسی و جایگاه آن در دیپلماسی امنیتی ایالات متحده، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۶۱: ۱۲۹-۱۵۹.
۹. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۲)، تحول نظریه‌های منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل، پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشکده علامه طباطبایی، شماره پنجم، ۷۳-۱۱۶.
۱۰. سعید، ادوارد. (۱۳۷۷)، پوشش خبر اسلام در غرب، ترجمهٔ عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. سلحشور، محمد حسین. (۱۳۹۳)، سیاست ایران هراسی: جنگ صلیبی جدید غرب علیه جمهوری اسلامی، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری، تهران.
۱۲. شریعتی‌نیا، محسن. (۱۳۸۹)، «ایران‌هراسی؛ دلایل و پیامدها»، فصلنامه روابط خارج، سال دوم (۶)، ۱۹۱-۲۰۸.
۱۳. شیلر، هربرت. (۱۳۷۷)، وسایل ارتباطی جمعی و امپراطوری آمریکا، ترجمهٔ احمد میر عابدینی، تهران: سروش.
۱۴. صادقی، محمدمسعود. (۱۳۹۸)، «اشکال ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در جهان امروز و راهکارهای فرهنگی مقابله با آن»، مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل، سال پنجم (۱۰)، ۳۵-۶۶.
۱۵. طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۸)، روش‌شناسی مطالعات انقلاب (با تأکید بر انقلاب اسلامی

- ایران، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۶. طباطبایی، میناسادات؛ زهرا علی‌زاده و اعظم اعتمادی‌فر. (۱۳۹۷). «بررسی پدیده اسلام‌هراسی و راهکارهای قرآنی مقابله با آن»، *فصلنامه مطالعات قرآنی*، پیاپی ۳۶، ۳۷۹-۴۰۶.
۱۷. عیوضی، محمدرحیم و مهسا فلاح حسینی. (۱۳۹۶). «اسلام‌هراسی و سناریوهای پیش روی آن»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال ششم (۲۲)، ۷۵-۹۲.
۱۸. متقی، ابراهیم. (۱۳۸۷). «بررسی الگو فرآیند تقابل گرای آمریکای علیه ایران در سال‌های (۱۹۷۹-۲۰۰۸)»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۵، ۴۷، ۲۰۹-۲۴۷.
۱۹. مجیدی، محمدرضا و محمدمهدی صادقی. (۱۳۹۳). *اسلام‌هراسی غربی*، تهران: دانشگاه امام صادق^(ع).
۲۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
۲۱. موسوی صمدی، سید احمد. (۱۳۹۴). «دیپلماسی فرهنگی عرصه رویارویی جهان آینده»، *فصلنامه فرهنگ و ارتباطات*، سال پنجم، شماره ۸۹، ۳۷-۷۲.
۲۲. میرمحمد صادقی، سید مهدی؛ رحمت حاجی مینه. (۱۳۹۷). «تبیین دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال ایران‌هراسی»، *فصلنامه مطالعات میان فرهنگی*، سال سیزدهم (۳۶)، ۱۲۳-۱۴۶.
۲۳. ناصرپور، ابراهیم. (۱۳۸۷). *نقش هویت در سیاست خارجی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده روابط بین‌الملل.
۲۴. نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۱). *تأثیر فرهنگ بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۵. نورمحمدی، مرتضی و حجت کاظمی. (۱۳۹۳). «جایگاه فرهنگ در تکوین ایران‌هراسی فرهنگی در کشورهای حوزه خلیج فارس»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال سوم (۱۲)، ۴۰-۶۲.

26. Bennett, A. & George, A. (1997). *Process tracing in case study research*, paper presented at the MacArthur foundation workshop on case study methods, belfer Harvard University
27. Goldstone, J. (2003). *Comparative historical analysis and accumulation in the study of revolutions*, Cambridge press. pp. 41-91

28. Mahoney, J. (2000). *Strategies of causal inference in small - N analysis*, *sociological forum*, 16: 572-593